



## آیا شیوه های رایجی که در جهت صلح و آشتی میان خانواده ها یا اعضای آن به کار برده میشود، درست است؟

محمد ضیا ضیا؛ هفته نامه "افق" استرالیا

آشتی، جنگی، آزرده، خفه، بی گناه، ملامت، مقصر... واژه هایی اند که در هر جای، هر نقطه زمین، در هر خانه و هر اجتماع جزء زنده گی انسانها بوده و پس ازین نیز ادامه خواهد داشت. هر آن انسانی که از بدخلقیت آدم تابه حال چشم به دنیا کشوده، آنچه انسانهایی را که امروز در روی زمین می بینیم و هر آن انسانی که بعد ازین در جهان چشم باز میکند، در همین مجموعه بزرگ دو شخص را پیدا کرده نمی توانیم که بعینه از نگاه خواستها، آرزوها، روش،... و برداشت از دنیای ماحولش صد در صد همگون باشند. این اختلافات نه تنها در خصوصیات رفتاری و روانی آدمها وجود دارد، بلکه عین مسأله را در خصوصیات فزیک دو انسان (حتی دوگا نه گیها) نیز مشاهده کرده میتوانیم. اما خصوصیات (مشترک) میان انسانها چه از نگاه کمیت و چه از نگاه کیفیت، چه روانی و چه فزیک، به نسبتهای متفاوت همگون وهم شکل بوده میتوانند. چنانچه هر انسان (عادی) با دیدن دوست خود خوشحال میشود و با مرگ عزیزانش متالم. به همین دلیل است که انسان در یک موقع زنده گی حالات، پدیده ها و عملکردهایی را از اطرافیانش در خانه، محل کار و یا اجتماع برخلاف توقعات و خواستههایش احساس میکند؛ آنگاه آزرده، ناراحت، غمگین و یا افسرده میشود.

آزرده شدن، خفه شدن، جنگی کردن... حالاتیست که هر انسان به اندازه های متفاوت، نسبت به عملکردهای (به زعم خودش) نادرست و ناهنجار از سوی اعضای خانواده، دوستان، آشنایان و سایر افراد اجتماع در مقابل خود می بیند و خود را در مقام حق به جانب بودن احساس میکند. اما حقیقت همیشه به سوی افرادی که آزرده یا خشمگین میباشند، پهلو نمیزند. چه بسا اشخاص حق خود را تلف شده، دیگران را مقصر می پندارند. لیکن اگر کاوش منطقی و قضاوت سالم بر مبنای اصولهای اخلاقی میان انسانها و قرار داد های مسلم و پذیرفته شده اجتماعات صورت بگیرد، از امکان بعید نیست، شخصی که خود را حق به جانب تصور کرده، خودش مقصر یا مقصرتز باشد. به قول حافظ:

یکی از عقل می لافد، دگر طامات می بافد  
بیا کاین داوری هارا به پیش داور اندازیم

بزرگترین، نزدیکترین و قاضی ترین داور که میتواند این مشکل را برطرف بسازد، فقط و فقط وجدان پاک، منطقی عالی، بینش عالمانه و داشتن جرأت دفاع از حق خود و اعتراف درمقابل تقصیر یا اشتباه از طرف خود شخص میباشد که متأسفانه مجموعه اوصاف بالا بصورت یک بسته، در میان انسانها کمتر عمومیت دارد. از همین جاست که پای میانجی، خیرخواه، قاضی و محکمه در میان می آید. راه هایی که میتواند در برطرف ساختن کینه ها، آزرده گیها و هر نوع تنش ها میان پدر و پسر، خانم و شوهر، خواهر و برادر، اقوام و خویشاوندان و یا دوستان و آشنایان به وجود آمده باشد، زیاد است؛ به شرط آنکه در حل این قضایا برخورد سالم صورت بگیرد. حال یکی از شیوه های حل این مشکل را که در عرف مردم ما به نام (آشتی دادن) یاد میشود، اما به نظر هفته نامه "افق" اشتباهی که در شیوه کاربرد آن وجود دارد، به بررسی می گیریم؛ مثلاً:

خانم و شوهر جوان که با دنیا - دنیا آرزوها باهم پیمان زنده گی بسته اند. هنوز رنگ حنا از دستها نرفته و سرود مبارک بادای عروسی شان در گوشهای هر دوی شان طنین خود را از دست نداده که نظر به تفاوتهای نوقی، معاشرتی ... و یا مداخلات و توقعات خانواده گیهای شان و یا هر چیز دیگر اختلاف میان آنها از سرحد آزرده شدن، خشمگین شدن، جنگی کردن و تاکار شان به جنگ و دعوا رسیدن و قهر کردن از خانه ... بالا میرود. در چنین حالت، خود این دوجوان یا خانوادهاش شان پس از یک سلسله تلاشهای بی نتیجه، مجبور می شوند؛ یک یا چند نفر کلان، موی سفید و هر کس دیگری را که لازم دانند به عنوان میانجی و خیر خواه می طلبند تا مشکل آنها حل شود و در نتیجه از قهر و خشم و جنگی گری بیرون شوند. درین حال موی سفید یا کلان و یا همان میانجی با اکت و ژست قاضی مآبانه چنین فرمایش میدهد: به خاطر حل این مشکل میخواهیم هر دو جوان (گاهی یکجا با خانواده های شان) در یک محل رو یا روی بنشینند، حرفهای هر دو طرف را می شنویم، بعد هر کدام (یا هر خانواده) که ملامت شد، ملامت را متقاعد و سر زنش میکنیم....)

درین گونه روشها این نکته ها وجود دارد؛

1 - این دست میانجی ها اولاً به این هدف اقدام میکنند تا به عوض (مصالحه و ایجاد فضای باهم پیوستن)، در فکر (ملامت سازی باشند)، تا مقصر را شناسایی کنند.

بدون تردید برای شخص مقصر، علاوه از تقبل ملامتی و هر جرمانه دیگر، احساس شرمنده گی نیز دست میدهد. در نتیجه به کار بردن این شیوه، نه تنها در پیوند دوجوان کمک نمیکند، بلکه یک عقده دیگر را نیز به آن می افزاید.

2 - وقتی دو جوان یا ... از همدگر شاکی میباشند و موضوع شکایت شان تا مرحله میانجی می کشد، آیا گاهی فکر شده که هر دو طرف قضیه به مثابه دو رقیب یا دو پهلوان میخواهند در مقابل چند نفر یا جمعیت در میدان مسابقه چانس پیروزی خود را از دست بدهند؟ بدون شک هر دو طرف میکوشند تا آخرین سخنهای ناگفته را به خاطر بی گناهی شان آشکار بسازند. در نتیجه این صحنه نیز به یک صحنه زد و خورد و بسیار خطر ناک دیگر تبدیل میشود، با این تفاوت که اگر آرامشی هم میان طرفین به وجود آمده باشد، به آرامش دریایی می ماند که ظاهرش آرام، اما در عمق خود توفان را حمل میکند. درین صورت آقایان یا خانمهای میانجی باید متوجه باشند که شکایتهای معاشرتی میان خانواده ها، دوستان ... بر وفق دعاوی حقوقی مادی چون مسایل پولی، زمین، خانه و ... نیست.

3 - هرگاه قهر و نا رضایتی به جایی رسیده باشد که هر گونه کوشش های سالم در راه آشتی دادن یا حل و فصل شدن قضیه باقی نمانده باشد، آنگاه میشود بزرگان و هر کس دیگر تا مراجع رسمی و دولتی نیز به خاطر حل مسأله اقدام به عمل بیاورند.

راه سالم و بهتر کدام است؟

به نظر هفته نامه "افق" نکات زیر باید در نظر گرفته شود:

الف – طوری که در بالا متذکر شدیم، فهم، دانش، خوی، عادت، برداشت، خواستها... میان انسانها متفاوت است، هیچ کس این حق را برای خودش محفوظ و چوکات شده نیندازد که دیگران فرمانبردار سرتاپا قرص به او باشند و حق و ناحق توقع ملامت پذیری را دیگران داشته باشند. همان طوریکه نمیخواهند، هیچ کس در حریم داشته ها و خواسته های مادی و معنوی خودشان صدمه برساند، به دیگران نیز همان حق را قایل شوند. ( چیزی که به خود نمی پسندی به دیگران نیز میسند) این توانایی در خود شخص پرورش یافته باشد تا خواسته های دیگران نیز مورد توجه و احترام قرار گیرد.

ب – وقتی میان دوفرد یا دو خانواده آزردگی ... به وجود می آید، خوش به حال کس یا کسانی که با عقل، منطق، عدالت، گذشت و ایثار توام با خوشبینی و مثبت نگری در مقام (بخشش) و یا در مقام (اعتراف) پیش قدم میشوند. با این شیوه ضرورت به هیچ کس دیگر پیدا نمیشود که خود را به حیث قاضی یا داور دیگران حساب کند.

ج – هرگاه بزرگان میخواهند همچو آزردگیها را از میان بر دارند و به جایش محبت و پیوند تمکین نماید، بهتر است با نیت پیوند دادن، نه ملامت کردن دست به کار شوند. آنها میتوانند طرفین قضیه را به تنهایی بشنوند، به این فکر نباشند: ( تنها گوی راستگوی است) و یا ( هیچ کس نمی گوید دوغ من ترش است) زیرا محل و موقع ارزیابی این مقوله ها در مراحل بعدی کار است، نه در آغاز.

د – وقتی بزرگ یا میانجی سخنها طرفین را شنید، آنگاه با استفاده از استعداد و بصیرت شان، از فحوی سخنان طرفین قضیه، به مقیاس درایتی که دارند، برداشت می کنند و تشخیص میدهند که مشکل میان دو نفر در چی و در کجاست.

ه – زمانی که میانجی خود را با تلاشهایش در قضیه وارد ساخت، و یک سلسله کار های مقدماتی انفرادی رابه انجام رساند، وقت آن می رسد تا زمینه روپا رویی را با مهارت مهیا گرداند. همچنان این ظرفیت را در جانبین ایجاد کرده باشد که اگر تقصیر یا اشتباهی در میان وجود داشته باشد، هرکدام آنرا با اصل گذشت، بخشودن و سایر سجایای نیک بی رنگ بسازند.

هرگاه قضیه تا جایی رسیده باشد که یکی از طرفین با بی رحمی و قساوت و پامال کردن حقوق انسانی آنهم به گونه ظالمانه و تداوم ظلم و تعدی باشد، در چنین موقع اگر شخص مظلوم و مقهور به تحمل ناروا تن میدهد و حق خود را به دست نمی آورد، درانصورت این چنین اشخاص نه تنها به خود شان بلکه به نام انسانیت نیز جفا میکنند. آرزومندیم که در چنین موقف نا شایست هیچ انسان و بخصوص هیچ هموطن ما قرار نداشته باشد.

از خداوند تمنا میکنیم، به بنده گانش این اراده را ارزانی فرماید تا درین ایام خجسته عید سعید فطر دلهای زنگ زده از خشم و کین را با آب زلال رحمت به کانون باصفای دوستی و محبت مبدل گرداند.

آمین یا رب العالمین

ضیا

یادداشت: خواننده عزیز! لطفاً درین مورد ابراز نظر فرموده ضمناً از داشته ها و تجربیات ارزشمند تان هموطنان را از این طریق بهره مند بسازید.